

شیعیان هند و مجالس سوگواری

فریبا رضوی

کتاب شیعیان اثناعشری: اقلیتی مسلمان در هند، اثر تویی هاوارت نخستین اثر از مجموعه آثاری (به ویراستاری آندره نومن) است که در حوزه مطالعات شیعی و با هدف جمع‌آوری و انتشار تکنگاشتهای مربوط به ابعاد مختلف تاریخ شیعه و ایران نگاشته می‌شوند. بدون شک، مطالعات شیعی از رویدادهای مربوط به انقلاب اسلامی ایران به این سو حوزه جدیدی را به خود اختصاص داده است. حتی به نظر می‌رسد که این حوزه اکنون عمدتاً میان گروهی که تحول آموزه‌ها و مناسک را از زمان غیبت امام دوازدهم بررسی می‌کنند و گروهی که اساساً به رویدادها و گرایش‌های جامعه مدرن شیعه (یعنی دوره صفویه که تشیع مذهب رسمی گردید ۱۷۲۲ - ۱۵۹) علاقه‌مند هستند تقسیم شده است. شیعیان امروزه حدود ۱۰ درصد از جمعیت بیش از یک میلیاردی مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند. و این امر ضرورت تحقیق و پژوهش را در خصوص تاریخ تحول آموزه‌های مناسک و شعائر شیعه در گذشته و حال را برجسته می‌نماید و کتاب «هاوارت» گامی ارزشمند در این راستا بشمار می‌رود.

کتاب مزبور که به همراه مقدمه از سه بخش، دو ضمیمه، واژه‌نامه و کتابنامه تشکیل و در بیش از ۲۰۰ صفحه تلویح شده نگاشته دارد به هويت مسلمانان شیعه هند و البته از طریق مواعظ و سخنرانیهای آنان در مجالس سوگواری. این کتاب اینگونه روضه‌خوانیها و مرثیه‌سراییها را در چینه‌ای جهت فهم هويت شیعیان هند در بافتی سرشار از تکرارهای مذهبی و فرهنگی می‌داند. کتاب شیعیان هند این مباحث را مورد تأمل قرار داده است.

* بررسی تاریخ جامعه شیعیان و حیات عبادی آنان.

* ترجمه کامل ۱۰ وعظ و روضه ایراد شده در سراسر جامعه شیعه شامل روضه‌های مردان، زنان، وعظ عامی و علمایی که رسماً بدین منظور آموزش دیده‌اند.

* بررسی موضوعات موجود در این مواعظ و روضه‌ها که خود طیفی گسترده از مسائل را دربرمی‌گیرد. کتاب حاضر از طریق تحلیل این موضوعات فرصتی فراهم می‌آورد تا دریابیم که چگونه یک جامعه اقلیت مسلمان جایگاه خود را در دنیای کثیرالمذهب امروز بازمی‌یابد. در یک کلام این کتاب برای آینده از محققانی که مایل به پژوهش در حوزه مطالعات اسلامی و شیعی هستند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

تویی هاوارت در حال حاضر در ناحیه مسلمان‌نشین بیرمنگام به عنوان یک کشیش انگلیکان مشغول خدمت است. او که فارغ‌التحصیل دانشگاه بیل، دانشگاه بیرمنگام و دانشگاه آزاد آستردام است، در شهرها و کشورهای متعددی از جمله آکسفورد، اوگاندا، مصر، اورشلیم، هند و هلند به پژوهش و خدمت پرداخته است. مقالات و رساله‌های بسیاری نیز در حوزه روابط مسلمانان و مسیحیان نگاشته است. اصل این کتاب تز دکترای هاوارت است. او آن را زمانی که در شهر حیدرآباد (جنوب هند) می‌زیسته (یعنی در فاصله سالهای ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰) نگاشته است.

شیعیان هند مناسک متعددی برای زنده نگهداشتن قیام امام حسین(ع) دارند، از راه رفتن روی آتش و قمه‌زنی که بگذریم، گردهماییهایی تحت عنوان «مجلس» از همه چشمگیرتر و مهمتر است. در این مجالس، مردان و زنان و کودکان شیعه گردهم می‌آیند و حکایتهایی از قهرمانان خود می‌شنوند و برای رنجی که آنها تا پای مرگ کشیده‌اند اشک ماتم می‌ریزند. نویسنده کتاب حاضر برای پژوهش خود از میان ۲۰۰ روضه و مرثیه‌هایی که در این مجالس ایراد می‌شده ۸۰ مورد را گزینش کرده است. از این میان تنها ۱۰ مورد از این روضه‌ها را آورده و بررسی کرده است. سؤال اصلی نویسنده در این کتاب عبارت از آن است که در این روضه‌ها و مرثیه‌ها چه می‌گذرد و این مواعظ ناظر به چه چیزهایی هستند؟ در جستجوی پاسخ به این سؤال بررسی مستقیم این مواعظ و شرایط تاریخی و معاصر آنها ضروری به نظر می‌رسد.

افزون بر این، در کتاب حاضر سعی شده است به این مسائل نیز پرداخته شود: این مواعظ از چه و چگونه سخن می‌گویند؟ ریشه‌های این سنت روضه‌خوانی کجاست؟

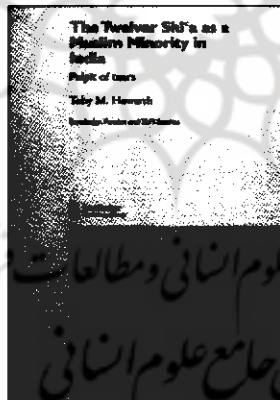
چگونه مجالس سوگواری برای واقعه کربلا در تاریخ شیعه اثناعشری گسترش یافت؟ از چه زمانی و چگونه نوع جدید مجالس وعظ خاصه در حیدرآباد (قلمروی جغرافیایی پژوهش هاوارت) پدید آمد؟ ویژگیهای مهم جامعه شیعی حیدرآباد و مجالس وعظ و روضه‌خوانی آنها کدامند؟ جایگاه مجلس و روضه در حیات مذهبی این جامعه کجاست؟ واعظان و روضه‌خوانان چه کسانی هستند و چگونه وارد این کار شده‌اند؟ نگرش جامعه اهل سنت به این گونه مراسمها و سوگواریها چگونه است؟ کدامیک از بخشهای این مواعظ همواره ثابت‌اند و کدامها تغییر می‌کنند؟ منابع این روضه‌ها و مرثیه چیست؟ چگونه سوگواری در مجلس با جایگاه و موقعیت شیعه در جامعه مدنی بزرگتر در ارتباط است؟ چگونه می‌توان موضوعات سوگواریها و مواعظ مجالس حیدرآباد را با سنت سوگواری کلاسیک شیعه مقایسه نمود؟ و در نهایت هدف و غایت اصلی و اساسی مواعظ مجالس حیدرآباد چیست؟

متن اصلی کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش اول پیشینه‌های تاریخی و معاصر از مواعظ و روضه‌ها ارائه می‌کند. بخش دوم متن کامل ۱۰ مواعظ و مرثیه که از زبان اردو به انگلیسی ترجمه شده‌اند را آورده است و بخش سوم مواعظ بخش دوم را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

نویسنده در فصل اول از بخش اول کتاب؛ تحت عنوان از کربلا تا هند: تاریخ روضه‌خوانی در شیعه کوشیده است نشان دهد که روضه مجلس در شکل مدرن آن پدیده‌ای است که عمر آن از یک سده تجاوز نمی‌کند اما در عین حال دستامد نیاکان بسیار مقدم‌تر است.

اگرچه مواعظ و روضه‌های مجلس بگونه‌ای مجزا و متفاوت از مواعظ‌های ایراد شده در نمازهای جمعه رشد کرده و گسترش یافت، اما هر دو شکل این مواعظ ریشه در سنت پیشااسلامی سخنگویان قبیله‌ای (که به خطیب مشهور بودند) دارند. مجالس سوگواری که به مجالس تعزیه شهرت دارند و نیز سخنانی که در این مجالس بیان می‌شود بلافاصله پس از معرکه کربلا آغاز گردید. مجلس طی سده‌های بعد نیز کانونی محوری در میان شیعیان باقی ماند و خود برای حفظ هويت مشترک آنها به مثابه اقلیتی در جامعه بزرگ مسلمانان بسیار ضروری می‌نمود. بنابر این، این شیعیان هر جا که اسلام بدانجا راه می‌یافت، مجلس را بر پا می‌نمودند. اگرچه مجالس شیعیان، حتی زمانیکه شیعیان مورد تعقیب و آزار بودند به‌طور پنهانی برگزار می‌شد، اما در عین حال، به هنگام حاکمیت شیعیان، از مجلس بطور رسمی حمایت شد و به شدت گسترش یافت. در این بخش، سه دوره‌ای که بیشترین اهمیت را برای تحولات شیعی داشته است بررسی شده‌اند: خاندان صفویه ایران (۱۱۴۵ - ۹۰۷)، خاندان قطب شاهی دکن جنوبی (۱۰۹۸ - ۹۲۴) و حکومت شیعی استان شمالی هند (۱۲۷۲ - ۱۱۳۴). در زمان این سه سلسله انواع و اشکال خاصی از اشعار و روایات مربوط به مرثیه پدید آمدند. دو مورد از مهمترین این اشعار و روایات، عبارت بودند از «روضه الشهداء» و «مرثیه». بعلاوه، برخی اوقات در مجلس مطلبی خوانده می‌شد که در واقع در رثای یکی از شهدای کربلا بود.

واعظان مجالس در آغاز تنها از طبقه مجرب و آموزش دیده که علما نام داشتند، بودند. اما از اواسط قرن ۲۰ افراد عادی از زن و مرد نیز به آنها پیوستند. مجلس حیدرآباد در ابتدا در شمال هند از الگوها و تحولات تازه پیروی می‌کرد اما در عین حال وعاظ و ویژگی خاص خود را داشتند. این مجلس خاصه در نیمه اول قرن ۲۰ مورد حمایت آسف حاجی نظام بود. در سال ۱۹۴۸ دولت حیدرآباد بالاجبار ضمیمه اتحادیه تازه استقلال یافته هند می‌شود و با این کار حاکمیت مسلمانان پایان می‌یابد. اما جامعه شیعیان از دهه ۱۹۷۰ به بعد راسخ‌تر و با اعتماد به نفس بیشتر کار خود را دنبال نمود. این اعتماد به نفس از یک سو دستامد ثروت ناشی از فرصتهای شغلی در خلیج فارس و از دگر سو برگرفته از انقلاب ایران بود. رونق و افزایش چشمگیر مجالس در حیدرآباد و افزایش روضه‌خوانی این شهر یکی از نتایج مهم این مسأله است.



شیعیان اثناعشری:
اقلیتی مسلمان در هند
تویی هاوارت - راتلج:
۲۰۰۵

در فصل دوم از بخش اول شرایطی ترسیم شده که در آن موعظه‌های مجلس را می‌توان درک نمود. جامعه‌ای که از درون آن این موعظ سر برمی‌آورد اقلیتی کوچکی است درون اقلیتی در شهر کتیرالمذهب و مدرن حیدرآباد. شیعیان حیدرآباد تنها درصد اندکی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و در عین حال، از تأثیرگذاری بالایی برخوردارند. افزون بر این، آنها از الگویی پیچیده و بسیار ساختارمند از مناسک دینی برخوردارند که حتی مناسک گسترده‌تر جامعه بزرگتر مسلمانان را نیز دربرمی‌گیرد. جامعه‌ای که خود شامل مناسک و شاعران خاص شیعی نیز می‌شود. مهمترین این مناسک و شاعران همانگونه که پیش‌تر نیز اشاره شد مجلس است. در مجلس زمانی که به وعظ اختصاص می‌یابد و تقدیس و احترامی که به وعظ گذاشته می‌شود نشانگر اهمیت محوری اینگونه محافل سوگواری در جامعه است. فصل حاضر افزون بر نشان دادن عملکرد وسیع و مکرر مجلس حیدرآباد، تنوع این مجالس و تعدد و تنوع وعظ و روضه‌خوان را نیز مورد بررسی قرار داده است. دلیل تنوع در اجرا و عملکرد این مجالس آن است که اینگونه گردهماییها در طیف مختلفی از زمان و با حضور کامل جامعه شیعی برگزار می‌گردد. اما برغم اینکه هر وعظ و روضه‌خوانی رویکرد و تأکید خاصی در پیشه خود دارد، در خود جامعه بر وعظ و حرفه‌هایی که می‌زند نوعی نظارت حکمفرماست. بطور کلی در

نظر گرفتن شرایط تاریخی و شرایط کنونی وعظ در مجلس به هنگام خواندن متن یک روضه یا وعظ ضروری می‌نماید.

در بخش دوم کتاب ذیل عنوان موعظ ترجمه یا موعظه (روضه) آورده شده است. این موعظ در فاصله سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ و توسط وعظ مختلف حیدرآباد ایراد شده است. پس از اولین وعظ که در توصیف یک مجلس کامل آمده است، هر وعظ دارای یک عنوان، مقدمه و شرح (حاشیه) است. عنوان بیانگر نام وعظ است و پس از آن موضوع وعظ می‌آید. زمان و مکان هر وعظ نیز به همراه پارامترهای جزئیات تا حد امکان ارائه شده است. اطلاعات بیان شده در مقدمه‌ها از مشاهدات شخصی و مصاحبه مؤلف با خود وعظ جمع‌آوری شده است. مؤلف محترم متن وعظ را به چندین پاراگراف تقسیم کرده و در حد امکان از حواشی و شروع اضافی کاسته است. معیار و ملاک اصلی هوارت در گزینش این ده موعظه آن بوده که این موعظ باید با هم نمونه‌ای از موعظه معاصر در مجلس حیدرآباد باشند.

بخش سوم (واپسین بخش) به تحلیل موعظ بخش ۲ اختصاص دارد. نحوه ارتباط این موعظ، زبان این موعظ، کارکرد اجتماعی و اعتقادی آنها و ... از جمله مسائلی است که نویسنده در این بخش به آنها پرداخته است.

مصطفی ملکیان در مراسم شب عاشورا:

جامعه نیازمند عشق ناخودگرایانه است

بیرون می‌آید. وی دیگر پارادکس‌های معنوی را فرزانی ابلهان و ضعف‌های قوت برشمرد و سپس گفت: «خشونت عشق» نیز یکی از همین خشونت‌هاست. وی ادامه داد: فرق خشونت نفرت با خشونت عشق در این است که خشونت عشق تنها متوجه خود عاشق است و نه دیگران. مثلاً در زندگی بزرگان دینی وقتی به زندگی حضرت علی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ایشان جقدر نسبت به طبع خود تازیانه می‌زند و خود را از نعمت‌های دنیا محروم می‌کند و این به آن دلیل عشقی است که ایشان به دیگران دارد. به عنوان نمونه ایشان در نامه‌ای که خشونت عشق در آن موج می‌زند، به یکی از امیران خود که در مجلس عیش و نوشی شرکت کرده بود می‌نویسد: اگر می‌خواستم می‌توانستم هیچ غذایی نخورم مگر آنکه از گندم باشد و هیچ نوشیدنی نباشم مگر آنکه از عسل باشد اما نخوردم چون احتمال می‌دهم در حجاز کسانی باشند که گرسنه باشند و سیری را به یاد ندارند. این استاد دانشگاه همچنین افزود: خشونت عشق نسبت به خود موجب می‌شود که اندک اندک انسان با فداکاری و خود را ندیدن به جامعه‌ای با نشاط برسد و این در واقع اجر این نوع زندگی دشوار همراه با خشونت عشق است. گاهی انسان حاضر می‌شود که برای بهروزی انسان‌های دیگر از کل جسم خود بگذرد و شهادت اوج خشونت عشق است. تبدیل خشونت عشق به خشونت نفرت متأسفانه پدیده‌ای رایج است. پیام همه بنیانگذاران ادیان این است که ما آمده‌ایم که خود را در خدمت شما بگذاریم نه اینکه شما را در خدمت خویش بگیریم.

ملکیان در پایان سخنرانی خود گفت: شهادت به این معنا آرزوی کسی است که شهادت را وظیفه خود نمی‌داند بلکه آرزوی کسی است که احساس می‌کند دیگر وقت آن است که به شهادت برسد. این استاد دانشگاه، در عین حال در مراسم افتتاحیه مجمع عمومی سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) نیز سخنرانی کرد و ملزومات حرکت اصلاح‌گری در لایه‌های سیاسی و فرهنگی جامعه ایران را مورد بررسی قرار داد. وی یکی از ملزومات اصلاح‌گری را عمل به قاعده زرین اخلاقی بیان کرد که در ادیان مختلف به شکلی خاص بیان شده است. ملکیان گفت: «بر اساس این قاعده، با دیگران باید چنان رفتار کنی که خوش داری دیگران با تو رفتار کنند. با قبول این اصل، این نکته مهم می‌شود که هرکس خود را تافته جدابافته تلقی نکند و اصلاح‌گر باید بداند که همه کندی‌ها، تندی‌ها و درد و رنج‌های دیگران در او نیز وجود دارد.»

برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

www.Advarnews.Com

www.Roozna.Com

مصطفی ملکیان - استاد دانشگاه - یکی از افرادی بود که در مراسم شب عاشورا در حسینیه ارشاد به ایراد سخنرانی پرداخت. این مراسم از سوی انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران و سازمان ادوار تحکیم برگزار می‌شد عنوان این سخنرانی نیز، «خشونت عشق» بود. وی در آغاز سخنرانی خود گفت: به دو جهت ترجیح دادم که موضوع این سخنرانی را خشونت عشق برگزینم اولاً به آن دلیل که به گمان بنده شهادت اوج قله خشونت عشق است و علت دوم آنکه در دنیای کنونی خشونت عشق جای خود را به خشونت نفرت داده است و ما به درجات مختلف قربانیان خشونت نفرتیم. وی در ادامه هدف خود از ایراد این سخنرانی را چنین بیان نمود: می‌خواهم نشان بدهم که در همه شهیدان نوعی تجلی خشونت عشق موج می‌زند. در باب اینکه در چه زمان‌هایی انسان‌ها بهتر خواهند بود و جوامع نشاط بیشتری خواهند داشت دیدگاه‌های متعددی وجود دارد و وجه مشترک همه این تفکرات این بود که چگونه می‌توان زندگی فردی و جمعی پناشاطر و بهتری داشت. کسانی گمان کرده‌اند که به صرف دین‌داری می‌توان این چنین جامعه‌ای ایجاد کرد. گروهی هم اشاعه مردم‌سالاری را تنها راه سعادت دانستند و عدل‌های هم وجود یک سازمان اقتصادی جهانی که به همه جهان در توزیع امکانات مادی و رفاهی به یک چشم نگاه کند را شیوای برای دستیابی به جامعه بهتر می‌دانستند و البته دیدگاه‌های دیگری هم وجود دارد.

ملکیان افزود: ادعای من این است که یگانه راه برای اینکه فرد و جامعه بهتر و مطلوب‌تری داشته باشیم این است که یک نوع عشق ناخودگرایانه و در عین حال فعالانه در افراد جامعه وجود داشته باشد. این راه یگانه راه و در عین حال دشوارترین راه است، سایر مسیرها می‌توانند شرط لازم باشد اما شرط کافی نیستند. وی همچنین افزود: این عشق ناخودگرایانه که باید در جامعه وجود داشته باشد یعنی اینکه همه چیز را برای خود نخواستن و در این عشق انسان بایستی بیشتر معطوف به بیرون از خود باشد. فعالانه هم یعنی این که برای ارضای خود حرکت نمی‌کند و برای این که ارضا شود فرد دست به کارهای بیرونی می‌زند که همراه با امدادهایی به انسان‌های دیگر است. به هر حال این عشق که پروردش در آدمی بسیار دشوار است، البته فداکاری می‌طلبد، شکی نیست که اگر انسان به سایر انسان‌ها به غایت نگاه کند و آنها را وسیله نپندارد این کمک کردن بیرونی نیازمند فداکاری‌هایی است و فرد چاره‌ای جز این ندارد که تا حد وسیعی از ثروت، قدرت و جاه و مقام و حیثیت اجتماعی خود صرف نظر کند. ملکیان با برشمردن چند پاراداکس معنوی گفت: مهمترین این تناقض‌ها پاراداکس صلح با شمشیر است، انسان معنوی در جایی از زندگی به این نقطه می‌رسد که صلح با شمشیر ممکن است. پاراداکس بعدی زندگی با مرگ است، یعنی زندگی از دل مرگ

